

Women's Intentions to Endow Their Properties (Waqf) in Isfahan in The Safavid Period: A Qualitative Content Analysis

Seyyed Mostafa Tabatabaei¹ | AliAkbar Abasi² | MohammadAli Chelongar³
Zahra Abyar⁴

Abstract:

Purpose: Creation of endowments (Waqf) increased significantly at the time of The Safavids due to Shia Islam. The endowment of a large part of properties, especially by Shah Abbas I (Abbas, The Great), strengthened the motivation to endow among the courtiers and women. Despite the restrictions and social problems, women played a significant role in charity and endowment. The purpose of this research is to analyze women's intentions to endow their properties in Isfahan at the time of The Safavids.

Method and Research Design: The contents of endowments records of Isfahan were investigated using qualitative content analysis. Consequently, the following 8 categories were distinguished: "legitimization of politics", "property protection", "farsightedness about property division", "regulation of property protection", "manifest of Shiism", "thinking of afterlife", "transcendent action in helping others", and "regression to former social structure".

Findings and conclusion: The results show that women mainly endowed their property due to economic reason; In fact, they did such to protect their properties and intentions like thinking of afterlife and the needs of the society were of little importance; Therefore, the main content of the majorities of endowment records were about regulation of the property protection for their next of kins. In addition, although these women, stabilized their position in social structure, they gave male kins the right to inherit endowments and the female kins were not the prime concern.

Keywords: Qualitative Content Analysis; Women; Endowment; The Safavid Era; Intentions; Isfahan.

Citation: Tabatabaei, S., Abasi, A., Cholongar, M., & Abyar, Z. (2023). Women's Intentions to Endow Their Properties (Waqf) in Isfahan in The Safavid Period: A Qualitative Content Analysis. *Ganjine-ye Asnad*, 33(3), 28-53 | doi: 10.30484/ganj.2023.3078

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD Student of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Smtabatabaei1985@gmail.com

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Corresponding Author)
aa.abbaasi@ltrau.ac.ir

3. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Isfahan
m.chelongar@ltrau.ac.ir

4. PhD in Religious Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran
abyar.z114@gmail.com

Copyright © 2023, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«131»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3078

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.3, Autumn 2023 | pp: 28- 53 (26) | Received: 2, May. 2023 | Accepted: 8, Sep. 2023

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران (مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی)

سید مصطفی طباطبایی^۱ | علی اکبر عباسی^۲ | محمد علی چلونگر | زهرا آبیاری

چکیده:

دوره حکومت صفوی از نظر ایجاد موقوفات، در میان ادوار تاریخی ایران برجسته‌تر است. تشکیل این حکومت بر پایه مذهب تشیع باعث شد که سنت حسنه وقف رشد چشمگیری پیدا کند. وقف بخش زیادی از اموال و املاک خاصه توسط شاه‌عباس اول، انگیزه وقف بین درباریان و زنان آن عصر را تقویت کرد. زنان با وجود محدودیت‌ها و مشکلات اجتماعی، به‌عنوان کنشگرانی فعال در امور خیریه و وقف نقش بارزی داشتند.

هدف: این مقاله به تحلیل محتوای کیفی اغراض واقفان زن در شهر اصفهان در عصر صفوی پرداخته است.

روش / رویکرد پژوهش: در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها ۸ تم «شرعی‌سازی سیاست»، «ماندگاری در اموال»، «آینده‌نگری از تجزیه اموال»، «سامان‌دهی حفاظت ملکی»، «نمایش شیعی‌گری»، «عقبی‌اندیشی»، «کنش فرادستی در رفع نیازهای دیگری»، «واگشتی به ساختار اجتماع» بازنمایی شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که غرض اصلی از وقف، ماهیت اقتصادی دارد؛ در واقع توجه به حیات اخروی و حتی توجه به نیازهای جامعه نسبت به تلاش زنان واقف برای حفظ اموال از گزند تصرف و تجزیه اموال پس از خود، سهمی ناچیز است؛ از این رو بخش غالب محتوای وقف‌نامه‌ها حاکی از برنامه‌ریزی و سامان‌دهی برای حفاظت از اموال و دارایی‌های وقفی در نسل و نزدیکان خود است. هم‌چنین زنان واقف این عصر، هرچند نقش فرودستی خود را با مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه و خیر به کنشی فرادستانه تثبیت کردند، ولی برای زنان پس از خود، سهمی از کنشگری و حضور اجتماعی قائل نشدند و حق تولیت موقوفات را با اولویت فرزند پسر در نسل خود حفظ کردند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوای کیفی؛ زنان؛ وقف؛ عصر صفوی؛ نیات؛ اصفهان.

استناد: طباطبایی، سید مصطفی، عباسی، علی اکبر، چلونگر، محمد علی و آبیاری، زهرا. (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کیفی اغراض زنان واقف در ایران (مورد مطالعه شهر اصفهان در دوره صفوی). *گنجینه اسناد*، ۳۳(۳)، ۲۸-۵۳.

doi: 10.30484/ganj.2023.3078

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه ایران‌شناسی و تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
Smtatabaacy1985@gmail.com
۲. دانشیار گروه ایران‌شناسی و تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
aa.abbaasi@ltraua.ac.ir
۳. استاد گروه ایران‌شناسی و تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
m.chelongar@ltraua.ac.ir
۴. دکتری دین پژوهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
abayar.z114@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۳۱

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.30484/GANJ.2023.3078

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۳، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۲ | صص: ۲۸ - ۵۳ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۷

تحقیقات تاریخی

۱. طرح موضوع

در میان دوره‌های مختلف تاریخ، دوره حکومت صفویان بسیار حائز اهمیت است. این سلسله از حدود ۹۰۵-۱۱۳۶ ق به‌طور مستمر و سپس پس از تسلط افغان‌ها بر ایران، تا سال ۱۱۴۸ ق به‌طور اسمی بر ایران حکومت راند و توانست به‌طور رسمی حکومتی شیعی در ایران ایجاد کند و به تدریج به دولت ملی وحدت و استقلال ببخشد. در طی حکومت این خاندان، به‌دلایلی چند از جمله سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد حکومتی دین‌مدار، سنت وقف گسترش بسیاری یافت. این گسترش به‌حدی بود که توانست بر جنبه‌های مختلف جامعه تأثیراتی عمیق بگذارد؛ به‌نحوی که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دوره‌های شکوفایی ساختار نهاد وقف در تاریخ ایران در عصر صفوی بوده است. در این دوره بسیاری از اقشار اجتماع از پادشاهان گرفته تا افراد عادی به این امر خیرخواهانه اقدام می‌کردند. نهاد وقف در سده‌های پیشین ریشه داشت و با کارکردهای ویژه خویش، پیش از صفوی شکل گرفته بود و حتی بر خورداری صفویان از اقتدار مالی و سیاسی در پیش از رسیدن به قدرت به‌دلیل موقوفات بی‌شمار خانقاه اردبیل بود و این موقوفات نقش چشمگیری در کسب نفوذ سیاسی و مذهبی رهبران خانقاه اردبیل داشت. در پس از گرفتن قدرت نیز پادشاهان صفوی موقوفاتی بر موقوفات این خاندان افزودند و خود از واقفان عمده شدند. باید گفت که ساختار اوقاف در زمان صفوی رنگ شیعی به‌خود گرفت و این نهاد مطابق و هماهنگ با سیاست‌های خاص مذهبی و عقیدتی آن‌ها اداره شد و ساختار و کارکرد آن تا اندازه زیادی با ادوار پیش از آن تفاوت کرد (صفت گل، ۱۳۸۱، صص ۳۰۵-۳۱۸).

به تعبیری دیگر، به‌قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج بر نقش‌های اجتماعی زنان این عصر اثر گذاشت. این تأثیرات گاه باعث بزرگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد. زنان در خانوار شهری، به‌عنوان عضوی مهم انجام وظیفه می‌کردند؛ هرچند مجبور بودند وظایفشان را در محدوده چهاردیواری خانه و اندرونی انجام دهند و اجازه نداشتند به‌جز در موارد استثنایی با بیرون از خانه تماس داشته باشند (حیدریان، ۱۳۸۸، ص ۵۴). با این حال، نقش زنان در امور خیریه و فعالیت‌های اجتماعی در این دوره مشخص بود و با وجود محدودیت‌ها، رنج‌ها و مشکلات اجتماعی پیش‌رویشان آن‌ها در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکتی فعال داشتند. به‌گفته فیگوئروا، سفیر اسپانیایی دربار شاه‌عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای نیک بیشتر از مردان جای گرفتند. بسیاری از کاروان‌سراها و بناهای عمومی از خیریه زنان -که معمولاً فقیرتر از مردان بودند- ساخته شد. این موارد را می‌توان در اسناد وقف زنان طبقات بالای اجتماعی مشاهده کرد (Heidari, 2022). زنان این طبقه از طریق



اوقاف نقشی مهم در سوق دادن املاک و دارایی‌های خود به سوی فعالیت‌های خیریه شهری برعهده داشتند (زرین‌باف شهر، ۱۳۸۴، ص ۹۲)؛ بدین معنی که تلاش عمده زنان در طبقه بالای جامعه، مشارکت در امور اجتماعی از طریق موقوفات بود که در قالب عمران و آبادانی قابل بررسی است.

اکثراً در دربار از توجه این زنان به امور خیریه و آبادانی، برای ساختن ابنیه عمومی و عام‌المنفعه سود می‌جستند. مطابق تحلیل‌ها و مطالعات، برخی از این موقوفات در جهت تداوم آموزش و فرهنگ و کمک به تقویت علم و دانش انجام می‌شد؛ به طوری که بسیاری از نهادهای آموزشی عصر صفوی به‌همت زنان مرفه این عصر دایر شد (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص ۶۵). نظر به اسناد باقی‌مانده از این دوره، از ۵۹ موقوفه اداره اوقاف اصفهان، ۱۴ موقوفه مختص زنان است؛ یعنی حدود یک‌سوم موقوفات مربوط به زنان صفوی است و جالب‌ترین قسمت آن مربوط به مدارس است که در این دوره ساخت مدارس وقفی افزایش یافت (Heidari, 2022). توجه به اوقاف و امور خیریه از سوی زنان در این دوره به حدی بود که گاهی زنان سعی می‌کردند حتی اگر شده‌است با وقف یک سنگاب^۱ در امور خیریه و عام‌المنفعه شرکت کنند. نمونه آشکار این امر بانویی است به نام شامیر که تنها اثر برجای‌مانده از او سنگابی است به سال ۱۰۴۱ق در صحن امام‌زاده اسماعیل واقع در خیابان هاتف اصفهان (ریاحی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۸).

بررسی موقوفات زنان، از یک سو وضعیت آنان را در هر دوره روشن می‌کند و از سوی دیگر مروری بر وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره را ارائه می‌دهد؛ زیرا حضور بیشتر زنان در جامعه در هر دوره‌ای معیاری برای تکامل اجتماعی آن دوره است. رشد چشمگیر موقوفات زنان در دوره صفوی، می‌تواند نمایانگر فضای باز این عصر برای بازیابی شخصیت حقوقی و آزاد زنان باشد. بررسی انگیزه اصلی و واقعی زنان واقف این دوره با تحلیل وقف‌نامه‌ها به دست نمی‌آید و از موارد مصرف و نیت آنان که در این اسناد ثبت شده‌است فقط می‌توان به این نتیجه ظاهری دست یافت که هدف اکثریت آنها از این اقدام ارضای روحیه دینی و کمک به دیگران و گاه کسب آرامش درونی در دنیا و آخرت یا راضی کردن وجدان اخلاقی بوده‌است؛ ولی نباید منکر شد که زنان گاه با اهداف سیاسی یا اقتصادی دیگری مانند ترس از پرداخت مالیات، و هم‌چنین حفظ دارایی‌هایشان در میان خانواده به وقف دست می‌زده‌اند.

نظر به اهمیت این موضوع، محقق درصدد است تا اهداف و اغراض زنان این دوره را که در وقف‌نامه‌ها تحت عنوان «نیت» آمده‌است با روش کیفی و تکنیک تحلیل محتوا واکاوی کند تا اغراض زنان را از وقف‌نامه‌های موجود بازنمایی کند.

۱. سنگاب: ظرف بسیار بزرگ که تواند چند خورار آب گیرد از یک پاره سنگ تراشیده که در مسجدها برای آشامیدن یا وضو دارند (رک: دهخدا؛ ذیل سنگاب).



۲. پیشینه

مهریزی (۱۳۸۹) در مقاله «درآمدی بر موقوفات زنان» ضمن معرفی کتب و مقالات نوشته شده در شناخت موقوفات زنان، تعداد ۱۳۷ زن واقف ایران و جهان عرب را معرفی کرده است. احمدی (۱۳۷۶) در مقاله «وقف نامه های بانوان در دوره صفوی» چند وقف از زنان صفوی را معرفی کرده است. احمدی (۱۳۸۰) هم چنین در مقاله «زنان واقف در پایتخت صفوی» اوقاف زنان در عهد صفوی را تحلیل کرده است و به این نتیجه رسیده است که از میان ۵۹ وقف نامه موجود در اداره کل اوقاف اصفهان متعلق به دوره صفوی، ۱۷ وقف نامه از بانوان این شهر است؛ یعنی در واقع ۲۹ درصد از موقوفات اصفهان در دوره صفوی متعلق به زنان است.

ارجح (۱۳۹۱) در مقاله «موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی» با بررسی سه محور وقف، زنان و تشابهات دوران صفوی و عثمانی به این نتیجه رسیده است که دوره صفوی و عثمانی به لحاظ اقتصادی و سیاسی شرایط مشابهی را برای ایران و آناتولی رقم زده است. موقوفات زنان ایرانی آن دوره به سه دسته فرهنگی، مذهبی و عام المنفعه تقسیم می شوند. نکته مهم اینکه در ایران اهتمام گروه بزرگ تری از زنان به امر وقف بوده و این اقدام فقط ویژه ملکه ها و شاهزادگان نبوده است و شامل سایر طبقات اجتماعی نیز می شده است. حضور زنان در این دوره با داشتن منابع مالی و اعتباری محدود، به اندازه یک چهارم کل موقوفات، امری قابل توجه است.

ریاحی (۱۳۸۹) در مقاله «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی» نقش مؤثر زنان را -چه آنان که به دولت خانه منسوب بودند و چه به علما و اندیشمندان یا به عموم اصناف و جامعه منتسب بودند- در شکل گیری، ایجاد و استمرار مراکز عام المنفعه به ویژه نهادهای علمی و آموزشی بررسی کرده است.

حیدریان (۱۳۸۸) در مقاله «زنان واقف در عصر صفوی» به این نتیجه رسیده است که یکی از راه های ظهور حیات اجتماعی زنان، مشارکت عمیق آنها در امور خیریه و عام المنفعه بوده است و حضور و فعالیت آنها در این عرصه اجتماعی و مذهبی، با وجود محدودیت های شدید اجتماعی آن دوران، بسیار قابل توجه است. گاه این محدودیت ها چنان بوده است که قانون نیز آنها را از حضور در جامعه و بیرون آمدن از خانه و حضور در جامعه منع می کرده است. ولی با وجود این زنان این عصر، به امور عام المنفعه و خیریه، از جمله اوقاف علاقه خاصی نشان می دهند و هدف اکثریت آنها از این اقدام، ارضای روحیه دینی و کمک به دیگران بوده است و گاه به دنبال کسب آرامش درونی در دنیا و آخرت یا حاکمیت وجدان اخلاقی به این عمل دست می زدند؛ ولی نباید منکر شد که گاه



اتفاق می‌افتاد که بعضی زنان با اهداف سیاسی یا اقتصادی دیگری مثل ترس از پرداخت مالیات و یا حفظ دارایی‌هایشان در میان خانواده، به وقف دست می‌زدند.

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف» وقف‌نامه مادر شاه‌سلیمان را تحلیل کرده که برای نجات جان فرزند بیمار خود و ادای نذر، تمام اموال خود را بر عتبات عالیات وقف کرده‌است. خسروی (۱۳۷۴) در مقاله «موقوفات زنان ایران» ضمن بررسی نوع دوستی، عاقبت‌اندیشی و استقلال مالی بانوان ایرانی، از استقلال مالی زن مسلمان ایرانی و زنان اروپایی تا اوایل قرن ۲۰، مطالعه‌ای تطبیقی تبیین کرده‌است. شاطری و آرزومندان (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، درمیان، سریشه)» به این نتیجه رسیده‌است که در دوره فاجار بیشترین کاربست وقف اموال بر تعزیه سیدالشهدا بوده‌است؛ البته روند رو به کاهش آن از دوره صفوی تا عصر حاضر مشهود است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با مقالات فوق این است که در هیچ‌کدام از مقالات مذکور اغراض واقفان زن تحلیل نشده‌است و تنها به معرفی اجمالی زنان واقف این دوره پرداخته شده‌است. نظر به خلأ موجود در این مقاله تلاش بر این است تا با روش تحلیل محتوای کیفی، نیات واقفان زن دوره صفوی واکاوی شود.

۳. مبانی نظری

فعالیت‌های خیرخواهانه و عام‌المنفعه در همه جای دنیا انجام می‌شود. آنچه می‌تواند مورد پرسش باشد این است که این رفتارها، چگونه انجام می‌شود یا به بیانی دیگر رفتارهای انسان‌دوستانه را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

در ادبیات نئوکلاسیک، در زمینه جریان حداکثرسازی مطلوبیت، برای اولین بار بکر تعاملات اجتماعی را بررسی کرد (Becker, 1974; Becker, 1976). بعداً آندرتونی (An-dreoni, 1990; Andreoni, 1989) استدلال کرد که مردم وقتی در امور خیریه مشارکت می‌کنند یا برای کالاهای عمومی کمک می‌کنند درگیر نوع دوستی ناخالص می‌شوند. این اعمال خیرخواهانه هم‌چنین از نفع شخصی ناشی می‌شود؛ یعنی کسب شهرت، ارضای نفس یا تغییر محیط زندگی برای بهبود تجربه و روابط اجتماعی خود. سایر انگیزه‌های شناسایی شده در ادبیات نئوکلاسیک عبارت‌اند: از رضایت اخلاقی حاصل از مشارکت (Crumpler, and Grossman, 2008)؛ فشار هم‌سالان که باعث نوع دوستی بی‌میل می‌شود (DellaVigna et al, 2009)؛ بازخرید وجهه عمومی خود و اجتناب از گناه نه گفتن (An-dreoni and Bernheim, 2009)؛ و اعتبار عمومی (Harbaugh, 1998). از این بحث به نظر



می‌رسد که ادبیات تجربی در اقتصاد نئوکلاسیک رفتار همدلانه اجتماعی را در پارادایمی ماتریالیستی و منفعت طلبانه محدود می‌کند. با وجود این، تقویت تعهد اخلاقی فرد در قبال نیازهای اجتماعی را نباید نادیده گرفت؛ زیرا رفتار نوع دوستانه نیز مانند سایر رفتارها آموخته می‌شود (Mayr et al, 2009)؛ از این رو، برای ترویج هزینه‌های خیریه، شکل صحیح یادگیری و هم‌چنین تقویت و مشوق‌های دائمی نیاز است.

در جهان‌بینی اسلامی، سعادت انسان زمانی کامل می‌شود که در هر دو جهان - یعنی زندگی دنیوی و آخرت ابدی - سعادت حاصل شود. بر همین اساس جهان‌بینی اسلامی در چارچوب زندگی دوجوانی چشم‌انداز و ساختار انگیزشی بزرگ‌تری برای اعمال صالح فراهم می‌کند. این پتانسیل به تمایل نسبتاً بالاتر برای اقدامات اجتماعی، مشارکت مثبت در اهداف اجتماعی، اهدای خیریه بیشتر و نمایش رفتار فداکارانه‌تر در روابط اجتماعی و در بازار منجر می‌شود. از این رو، در چهارچوب اسلامی، انگیزه‌های رفتار همدلانه اجتماعی از جهان‌بینی‌ای متمایز و مفهوم جامع مسئولیت اجتماعی و رفتار اخلاقی ناشی می‌شود. این‌ها در آگاهی ایمان ریشه دارند که در نهایت بر ترجیحات و انتخاب‌های اقتصادی و غیراقتصادی تأثیر می‌گذارد.

این بدین معنی است که در ادبیات نظری اقتصاد اسلامی (Sadeq, 1987) مفهوم اسلامی رفاه انسان، جامع‌تر از رفاه اقتصادی به‌تنهایی است. در همین راستا (Chapra, 1999) معتقد است که توسعه اقتصادی، تنها بخشی از رفاه انسان است و به‌تنهایی برای تحقق رفاه همه‌جانبه انسان کافی نیست. پس از افزایش نابرابری درآمدی به دنبال رشد اقتصادی در دوران پس از جنگ جهانی دوم و چالش‌های اکولوژیکی و زیست‌محیطی متعاقب آن در اثر الگوی رشد سرمایه‌داری، مفهوم غربی توسعه نیز جای خود را به ابعاد گسترده‌تری از انسان داده است؛ توسعه و شناخت نقش نهادها (Mirakhor and Askari, 2010).

۴. روش پژوهش

محقق برای دستیابی به نیات واقفان زن، از روش کیفی و تکنیک تحلیل محتوا استفاده کرده است. این تکنیک عمدتاً در قرن بیستم رایج شده است و در علوم گوناگون مانند ارتباطات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از آن استفاده می‌شود (Poole & Folger, 1981, pp 477-493). تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیقی است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوان دارد. این روش برای تمرکز بر مشخصات زبان به‌منزله وسیله ارتباطی برای به‌دست‌آوردن معنا و محتوای متن استفاده می‌شود. این داده‌ها می‌تواند به‌صورت شفاهی، متنی، یا اصل پاسخ‌های شفاهی، پرسش‌های پیمایشی باز یا بسته،



مصاحبه‌ها، گروه‌های متمرکز، مشاهدات یا رسانه‌های چاپی (مقالات و کتب) باشد (Kon- dracki & Wellman, 2002, pp 223-224). تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به شکل ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج با فرایند کدبندی نظام‌مندی تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای آشکار یا پنهان را به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). «هدف تحلیل محتوا، فراهم آوردن شناخت، بینش و تصویری نواز واقعیت است» (کرپندورف، ۱۳۷۸، ص ۲۵)؛ از همین رو، محقق ابتدا همه اسناد دسته‌اول تاریخی وقف‌نامه‌های این دوره را که در ۱۲ جلد تحت عنوان «اسناد موقوفات اصفهان» موجود است بررسی کرد. بعد از شناسایی موقوفات زنان این دوره، با نظر به پرسش اصلی پژوهش، نمونه‌های به دست آمده، به صورت کامل مطالعه شد. نیات واقفان به واحدهای معنادار - چنانچه در این نوع از پژوهش‌ها معمول است - تقطیع شد. در مرحله بعد هر یک از این واحدهای معنادار، در اولین سطح کدگذاری شد. باید توجه داشت که رویکرد مورد استفاده در این روش استقرایی است. کاربرد رویکرد استقرایی زمانی است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. از همین رو محقق تلاش کرد تا از داده‌ها، مقولات را استخراج کند. بدین منظور با مطالعه چندین باره متن (نیات واقفان) و کدگذاری آن، نوشتن تحلیل اولیه آغاز شد و تا زمان ظهور مقولات اصلی ادامه یافت. محقق در ادامه بعد از دست‌یابی به مقولات در سطح اولیه، آن‌ها را سازمان‌دهی و گروه‌بندی کرد و به صورت خوشه‌های معنادار (Meaningful Clusters) دسته‌بندی کرد؛ این روش در این نوع از مطالعات معمول است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). سپس محقق با ترکیب و سازمان‌دهی زیرمقوله‌ها، شمار مقولات را کاهش داد؛ یعنی کدها با یکدیگر تلفیق شدند و ۱۳ مقوله به دست آمد. با تقلیل این مقولات، در نهایت ۸ تم نهایی صورت‌بندی شد.

۵. یافته‌ها

واحد مشاهده این تحقیق کیفی، اسناد دسته‌اول تاریخی وقف‌نامه‌ها است. برای گردآوری داده‌های اسنادی این پژوهش، با مراجعه به مجموعه ۱۲ جلدی «اسناد موقوفات اصفهان» (حسینی اشکوری، ۱۳۷۸) و بررسی موقوفات دوره صفوی در اصفهان، براساس جنسیت ۱۴ موقوفه از زنان به دست آمد که در جدول شماره ۱ آمده است.



ردیف	موقوفه	واقفه	تاریخ وقف	نگهداری سند محل
۱	قراء، مزارع بردشاء، خاوه، چاهک- اصفهان و قم	زبیده بیگم بنت شاه سلیمان صفوی	۱۱۰۷ ق	دفتر اول
۲	دکاکین و خانات منارکله اصفهان و دکاکین و تیمچه پشت مدرسه جدۀ کوچک	بدرجهان خانم بنت محمد مسعود (میرزا) وزیر سابق مازندران	۱۱۰۱ ق	دفتر اول
۳	موقوفات مقبره میرزا محمد داود واقع در قریه بوره زاد لنجان	شهرتوبیگم	۱۱۴۳ ق	دفتر اول
۴	مدرسه علمیه	جدۀ والدۀ ماجدۀ شاه عباس صفوی بهادرخان	۱۰۵۷ ق	دفتر سوم
۵	خانه های قرب محله سنجی	مروارید خانم بنت آقا حسین	۱۰۹۰ ق	دفتر پنجم
۶	خان بزرگ و دکاکین نیماورد	دده خاتون	۱۰۸۳ ق	دفتر دوم
۷	مدرسه نیماورد	حاجی محمد رشیدای اردستانی حسب الوکاله زینب بیگم (زوجه حکیم الملک)	۱۱۱۳ ق	دفتر ششم
۸	آب و املاک بلده اردستان	زینب بیگم بنت امیر محمد اردستانی (شیخ الاسلام)	۱۱۰۳ ق	دفتر هشتم
۹	مزارع داراماری علیا و سفلا و غیره وقف بر عتبات عالیات	والدۀ شاه سلیمان الحسینی الموسوی (بهادرخان)	۱۰۷۹ ق	دفتر هفتم
۱۰	مدرسه علمیه جنب خان انارفروشانی	جدۀ والدۀ شاه عباس ثانی صفوی	۱۰۵۷ ق	دفتر هفتم
۱۱	مزارع جیان و اندوان قهاب و وقف بر نجف و کربلا	گوهر شاه بیگم بنت میرزا محمد اسماعیل	۱۰۷۱ ق	دفتر هفتم
۱۲	قراء، مزارع و باغات و غیره اصفهان و قم	زبیده بیگم بنت شاه سلیمان صفوی (بهادرخان)	۱۰۹۲ ق	دفتر هفتم
۱۳	قریه افجد و دکاکین نیماورد و یخچال بیدآباد	حشمت النساء خانم بنت میرزا محمد رضامنجم باشی	۱۱۴۵ ق	دفتر هفتم
۱۴	باغ ابودردا و باغ دیگر واقع در اراضی اُنبان	خاور سلطان بنت رجب علی اُنبانی	۱۰۴۹ ق	دفتر دهم

جدول ۱
موقوفات زنان اصفهان در عصر صفوی



بر مبنای مراحل تحلیل کیفی از موضوع پژوهش، کدگذاری در سطح اول بدین صورت انجام شد که واحدهای معنادار از سندهای موقوفات که بیانگر موارد مصرف و نیت واقفان بود انتخاب شد. سپس به هریک از این واحدها کدی تعلق گرفت. در مرحله بعد کدها با یکدیگر تلفیق شدند و ۱۳ مقوله به دست آمد. با تقلیل این مقولات، در نهایت ۸ تم نهایی صورت بندی شد که در جدول شماره ۲، ۳ و ۴ آمده است.

تم	مقوله	رمز
	ابزارمندی شرع در حفظ اموال	واگذاری تولیت بعد از انقراض احتمالی اولاد واقفه به روات حدیث؛ واگذاری حق نظارت بعد از نواب به ارشد و صلح و اتقای ذکور اولاد؛ واگذاری تولیت وقف بر مستحقین شیعه امامیه عادل عالم در صورت نبود اقرب اقارب موقوف علیها؛ واگذاری تولیت به دست عالم عادل امامی؛ اجازه انتقال تولیت حصص ^۱ به اعم علمای دینیه در عصر؛ عمل به شرایط موقوفه بدون فوت وقف در صورت واگذاری آن به عالم دینی عصر؛ انتقال تولیت به اعم و اجمع مجتهدین دارالسلطنه اصفهان در صورت انقراض اولاد واقفه؛ انتقال تولیت به قید قرعه شرعی به اعم و اجمع مجتهدین دارالسلطنه اصفهان در صورت انقراض اولاد واقفه و تعدد علما؛ واگذاری تولیت پس از انقراض اولاد واقفه به مجتهد عصر و آفته و اعم علمای اصفهان؛ واگذاری تولیت به ارشد علما در صورت انقراض خاندان واقفه؛ قراردادن سهم تولیت برای اعم و اصل سادات مقیم دارالسلطنه اصفهان در صورت مفقود بودن خاندان واقفه؛ اعطای حق تولیت به علما و فضلی اثنی عشری در صورت انقراض متولیان تعیین شده؛ اعطای حق تولیت به علما و فضلی اثنی عشری به قید قرعه در صورت تعدد.
	شرعی سازی سیاست جایگیری از نصاب اموال	واگذاری اختیار نحوه اداره مدرسه به متولی؛ عدم خرید و فروش؛ عدم بخشش و رهن طولانی مدت (بیش از سه سال)؛ عدم واگذاری به حکام و ارباب استغلال ^۲ مطلقاً؛ عدم دخالت مباشران اوقاف عامه و خاصه در موقوفه؛ اعطای اختیار در اداره امور مدرسه علمیه (تغییر و تبدیل سکنه و خدمه) مطابق نظر متولی و قائم مقام شرعی؛ ملعون بودن در صورت تغییر در شرط یا شرایط وقف؛ عدم قبول نماز و هر فریضه در صورت تغییر در شرط یا شرایط وقف؛ عدم واگذاری موقوفه به ارباب قدرت؛ عدم ابطال وقف در صورت وجود ایمان به خدا و آیات الهی؛ غیر قابل تغییر بودن شرط و شروط موقوفه توسط احدی؛ خارج شدن موقوفه از تصرف وقف (با واگذاری به ارباب استیلا)؛ عدم دخالت مباشرین وقف در دخل و تصرف مطلقاً؛ نگماشتن متصدی بر موقوفه توسط مباشرین وقف؛ عدم اجاره وقف به عمله دیوان؛ عدم تعرض عظام و اهالی شرع و عرف در موقوفه؛ عدم اجاره به افراد متقلب و حکام مطلقاً؛ عدم واگذاری موقوفه به عقود؛ حکم محاربه با سیدالشهدا برای تغییر دهنده شرایط وقف؛ حکم مخاصمه در روز قیامت برای تغییر دهنده شرایط وقف؛ حکم قصاص در روز قیامت برای تغییر دهنده شرایط وقف.
	محدود سازی تصرف ۲ اموال	واگذاری حق تولیت بعد از اولاد واقف به نواب؛ رعایت شروط موقوفه توسط متولیان (اعم از شرعی و عرفی)؛ قراردادن حق نظارت برای ناظر و متولی؛ تعیین متولی توسط نفس نفیس با حفظ صفاتی مدنظر او؛ واگذاری تولیت به نفس نفیس تا زمان حیات؛ واگذاری حق نظارت به نواب علیه عالیه؛ قراردادن حق تولیت برای ساکنان در وطن؛ بی بهره بودن از حق تولیت برای آنان که رساندن حق بدانها دشوار است.

۱. حصص: جمع حصه: سهم و قسمت و نصیب.

۲. استغلال: سودجویی؛ استثمار؛ سوء استفاده؛ استعمار؛ بهره کشی.

جدول ۲

مقوله و تم «شرعی سازی سیاست»

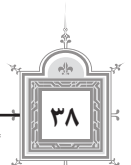


الف. شرعی سازی سیاست

این تم، از مقوله‌های «ابزارمندی شرع در حفظ اموال»، «جلوگیری از غصب اموال» و «محدودسازی تصرف در اموال» به دست آمده است. باتوجه به اینکه نهاد وقف در این دوره تحت نظارت مستقیم حکومت بود و ساختار دینی با ساختار سیاسی پیوند داشت، در فرایند به قدرت رسیدن صفویان شیعی مذهب، زنان نقش اجتماعی خود را بازیافتند. تغییرات قدرت سیاسی، بر فعالیت مذهبی، اجتماعی و اقتصادی زنان نیز اثرگذار بود. به گونه‌ای که نقل شده است در دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای خیر از مردان دست و دل بازتر بودند؛ به طوری که بسیاری از کاروان‌سراها و ساختمان‌های عام‌المنفعه را زنان - که معمولاً فقیرتر از مردان بودند - می‌ساختند (فیگوئرا، ۱۳۶۳، صص ۱۲۷-۱۲۸). از این رو می‌توان گفت قدرت گرفتن صفوی و استقرار دولت شیعی، موجب قدرت زنان این دوره نیز شد. زنان این قدرت را در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نمایش می‌گذاشتند. حضور زنان در امور خیر و وقف با وجود منابع محدود مالی و اعتباری گویای این امر است. نکته مهم در وقف‌نامه‌های زنان و واکاوی نیات و موارد مصرف نشان می‌دهد که همین پیوند سیاست و قدرت سبب شد تا برای «جلوگیری از غصب اموال» به صورت متمه‌ای در تمام وقف‌نامه‌ها، با گنجانیدن برخی عبارات چون «عدم بخشش و رهن طولانی مدت (بیش از سه سال)، عدم واگذاری به حکام و ارباب استغلال مطلقاً» و هم‌چنین نفرین‌هایی با تعبیری تحذیری چون «حکم محاربه با سیدالشهدا برای تغییردهنده شرایط وقف، حکم مخاصمه در روز قیامت برای تغییردهنده شرایط وقف، حکم قصاص در روز قیامت برای تغییردهنده شرایط وقف» تلاش می‌کنند تا هم اموال را بین همان گروه و طبقه مدنظر خود حفظ کنند و هم مانع تغییر در کاربری آن شوند.

هم‌چنین «محدودسازی تصرف در اموال وقفی» با عباراتی چون «واگذاری حق تولیت بعد از اولاد واقف به نواب؛ رعایت شروط موقوفه توسط متولیان (اعم از شرعی و عرفی)؛ قرارداد حق نظارت برای ناظر و متولی؛ تعیین متولی توسط نفس نفیس با حفظ صفاتی مدنظر او؛ واگذاری تولیت به نفس نفیس تا زمان حیات؛ واگذاری حق نظارت به نواب علیه‌عالیه» انجام می‌شد.

آنچه نیازمند دقت است اینکه، تنیده شدن قدرت، سیاست و دین، در میان زنان واقف نیز برگرفته از جریان‌های حاکم بر روح جامعه بوده است؛ از این رو، آنان نیز در این فرایند، در وقف‌نامه‌های خود به نوعی تلاش داشتند تا با واگذاری حق تولیت در مواردی مثلاً قرارداد سهم تولیت برای اعلّم و اصّل سادات مقیم دارالسلطنه اصفهان در صورت مفقودبودن خاندان واقفه؛ اعطای حق تولیت به علما و فضیله‌ای اثنی‌عشری در صورت



انقراض متولیان تعیین شده؛ اعطای حق تولیت به علما و فضلالی اثنی عشری به قیدقرعه در صورت تعدد؛ از شرع به عنوان ابزاری برای حفظ اموال و دارایی‌های خود بهره ببرند. این امر این تم را برجسته می‌سازد که در دوره صفوی وقف با هدف «شرعی‌سازی سیاست» گسترش چشمگیری یافته است.

ب. آینده‌نگری در مقابل تجزیه اموال

با نظر به تلفیق سیاست و دین بود که در وقف‌نامه‌ها، «سهمی حکومتی» نیز در نظر گرفته می‌شد. به تعبیری دیگر با ایجاد فضای سیاسی و اقتصادی مناسب در عصر صفوی، هم طبقه حاکم و هم اقشار پردرآمد به کارهای عام‌المنفعه و اختصاص وقفیه‌های بسیار مبادرت کردند. بررسی نیات نشان می‌دهد که در بعضی مواقع این امر برای حفاظت از ثروت در مقابل مالیات و مقررات حکومتی بوده است. تخصیص سهمی برای حکومت موجب «آینده‌نگری در مقابل تجزیه اموال» می‌شد تا از تعرض دستگاه حکومتی یا تجزیه و فروش آن‌ها جلوگیری شود و هم‌چنین با آینده‌نگری از بروز اختلاف بین فرزندان جلوگیری شود.

ج. نمایش شیعی‌گری

از مطالعه کتب تاریخی و سیاحت‌نامه‌ها و نوشته‌هایی که درباره صفویه وجود دارد مشخص می‌شود که وقف در این سلسله گسترش زیادی یافت و شاید هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران شاهد موقوفاتی به وسعت این مقطع از تاریخ نبوده است. حتی خود شاهان صفوی در رأس کسانی قرار داشتند که به وقف اموال خود اقدام می‌کردند؛ به طوری که بسیاری از املاک خود را بر مقاصد خیریه به ویژه وقف بقاع متبرکه شیعه و از همه بالاتر آستان امام رضا (ع) در مشهد و خواهرش حضرت فاطمه معصومه (س) در قم وقف کردند (سلیمی فر، ۱۳۷۰، ص ۸۰). در اثر همین رویکرد شاهان صفوی، امرا و بزرگان و در کنار آنان زنان درباری و صاحب‌منصب نیز به تقلید از خاندان سلطنتی اموالی را برای امور مذهبی و شیعی وقف کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲، صص ۷۳-۷۷).

در همین راستا و با اشاره به رقابت بین شاه، دربار و رجال کشور در ساختن تأسیسات عام‌المنفعه و قراردادن موقوفات برای آن‌ها کمپفر^۱ آورده است: شناختن درست وضع دربار ایران بدون آگاهی از حقوق تأسیساتی که قسمت قابل توجه عواید دربار خرج آن‌ها می‌شود، یعنی مساجد، گرمابه‌ها، قنات، راه‌های عبور و مرور، و پل‌ها و بیش از همه مدارس دینی و هم‌چنین نمایندگان علوم و هنر امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب شاه با پیروی از نیاکان خود می‌خواهد پس از خود نامی نیک به یادگار بگذارد و بزرگان

1. Kaempfer



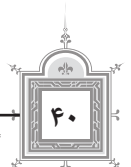
و اعیان با گرفتن سرمشق از پادشاهان به چشم و هم چشمی با یکدیگر برمی خیزند و وسایل لازم را برای تأسیس و نگهداری انواع ساختمان‌ها و به‌ویژه موقوفه‌های دینی در اختیار می‌گذارند. به این دلیل اغلب شهرهای ایران مملو است از مدارس دینی و موقوفه‌های آن‌ها؛ تنها در اصفهان که پایتخت است و شهری باشکوه و بزرگ به‌شمار می‌آید، در حدود یک صد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد و این به‌جز موقوفات جزئی و متفرقه است (قاسمی زاده راوری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰).

مطالعه دقیق وقف‌نامه‌های زنان واقف دوره صفوی نشان می‌دهد که در میان نیات و موارد مصرف درآمد موقوفه، سهمی گاه ناچیز به امور مذهبی اختصاص داده می‌شده است: همچون اختصاص سهم برای عتبات عالیات و روضات مقدسه؛ اعطای سهم برای زائرین و مجاورین کربلا (شیعه اثنی عشری)؛ صرف دهه عاشورا و روضه امام حسین و پیامبر (ص)؛ قراردادن سهم برای مصالح روضات مطهرات مقدسات. می‌توان گفت با توجه به فضای حاکم بر حکومت صفوی و نمایش قدرت شیعی در برابر حکومت سنی عثمانی، حکومت صفوی نیازمند وجهه مطلوب مذهبی بود؛ از این رو، وقف عرصه‌ای برای نمایش شیعی‌گری شد.

زنان این دوره دارای محدودیت علمی و اجتماعی بودند و از نظر سیاسی جایگاه مناسبی نداشتند و از این نظر زیر دست مردان بودند و در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی قدرت تصمیم‌گیری نداشتند و این مسئله در زنان طبقه بالا و اشراف با محدودیت بیشتری همراه بود؛ ولی زنان در این دوره بن‌مایه‌های حضور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را، در مذهب تشیع یافتند. آنان با الگوگیری از زندگی زنان برجسته مذهب تشیع چون حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) در روضه‌خوانی‌ها، برای بازیابی هویت خود، از طریق این فرهنگ تلاش کردند؛ بدین معنی که از طریق وقف توانستند با مشارکت و حضور در مراسم روضه‌خوانی سیدالشهدا و بیان نقش زنان در واقعه کربلا، حضور خود را در اجتماع مشروع سازند. از این رو، در وقف‌نامه‌های زنان این دوره سهمی از درآمد موقوفه به امور مذهبی و روضه‌خوانی اختصاص داده شده است.

د. سامان‌دهی حفاظت ملکی

تحلیل موارد مصرف موقوفات زنان این دوره، بیانگر این است که زنان واقف در صدد حفظ اموال و دارایی‌های خود از طریق بقای آن در نسل خود بوده‌اند. از همین روست که حق تولیت را با عبارات متعدد و متنوع برای اولاد خود یا نزدیکانی از خاندان خود حفظ می‌کرده‌اند.



بدین‌روى مقوله «آینده در نسل» از تلفیق کدهای این واحدهای معنادار به‌دست می‌آید. زنان هم‌چنین با قرار دادن قیدهایی در وقف‌نامه‌های خود آن‌ها را از تعدی و دسترسى و نظارت دولتی یا شرعی خارج می‌کردند تا بتوانند حفظ ملک خود را به‌سامان برسانند. تم‌ها و مقوله‌های فوق در جدول شماره ۳ آمده‌است.

۵. ماندگاری در اموال

«حفظ عین موقوفه» و «خدمات عمرانی در راستای کسب درآمد» از مقوله‌هایی است که تم «ماندگاری در اموال» را بر ساخته می‌کند. وقف صدقه جاریه است. جاری بودن و فرازمانی بودن موقوفه ایجاب می‌کند که از عین دارایی حفاظت شود. در حقیقت بقای موقوفه، وقف را امکان‌پذیر می‌کند؛ در غیر این صورت وقفی انجام نمی‌گیرد. از همین رو، یکی از موارد مصرف و نیاتی که در وقف‌نامه‌ها ذکر می‌شود، قرارداد سهمی برای نگهداری، عمران و آبادانی اصل موقوفه است. در موقوفات زنان این دوره نیز این امر دیده می‌شود. برای حفظ اصل بنای موقوفات و استمرار درآمدزایی موقوفات برای وارثان واقف، املاک و دارایی‌هایی به‌عنوان پشتوانه موقوفه قرار داده می‌شده‌است. نظر به اینکه استمرار وقف مستلزم دوام آن است (امامی، ۱۳۳۸، ص ۷۱)، با حفظ اصل موقوفه، واقفان ماندگاری خود را در اموالشان نشان می‌دهند.

اغلب زنان درباری صاحب ثروت‌های هنگفت بودند؛ چنان‌که گاهی شاه برای امور مهمی چون جنگ و لشکرکشی به آن‌ها متوسل می‌شد و پول مورد نیاز خود را از زنان امانت می‌گرفت. چنان‌که شاه سلیمان یک‌بار برای تأمین مخارج سفر مبلغی را از عمه خود گرفت. زنان درباری ثروت خود را در امور گوناگون صرف می‌کردند؛ از جمله ساخت بناهای عام‌المنفعه همچون مدرسه، مسجد، کاروان‌سرا، پل، بازار، بیمارستان. این بناها معمولاً برای صاحبان خود درآمدی هم به‌همراه داشتند. برای نمونه شاردن از کاروان‌سرای بزرگ و زیبایی در اصفهان یاد می‌کند که به دختر عموی شاه‌عباس دوم تعلق داشته و در آن معمولاً فقط بازرگانان سکونت داشته‌اند. این کاروان‌سرا سالانه مبلغ ۱۶۰۰۰ لیور عاید خانم می‌کرده‌است (شاردن، ۱۳۷۴، ص ۸۵)؛ به عبارتی دیگر زنان این دوره، برای پشتیبانی از وقف، بناها و عمارت‌های دیگری برپا می‌کردند تا از طریق آن امور مربوط به موقوفه را اداره کنند. زنان مرتبط با خاندان سلطنتی نیز در زمینه ساخت این نوع بناها فعالیت داشتند. آنان درآمد کلانی از طریق مستمری‌های دائمی و املاک تیول داشتند و به‌علاوه از طریق ارث نیز ثروت هنگفتی به آن‌ها می‌رسید؛ از این رو بخشی از آن را در امور خیریه و وقف صرف می‌کردند (منشی، ۱۳۸۲، ص ۷۶). باتوجه به قوانین اسلامی



در ارث‌بری از یک‌سو و به‌دست‌داشتن اختیار اموال و به‌رسمیت‌شناخته‌شدن مالکیت بر اموال در اسلام از سوی دیگر، زنان این دوره با وجود همه محدودیت‌ها می‌توانستند زمین، واحدهای مسکونی، حمام‌های عمومی و واحدهای اقتصادی را به‌ارث ببرند؛ از این‌رو با خرید و فروش املاک و فعالیت اقتصادی و سوق‌دادن این درآمد به‌سوی وقف و امور خیریه ضمن پرمایه‌کردن درآمدهای اقتصادی خود، خواهان ماندگاری در اموالشان نیز بودند و این امر در وقف تجلی می‌یافت.

تم	مقوله	رمز
سامان‌دهی حفاظت‌ملکی	آینده‌نگری در نسل	واگذاری حق تولیت به اولاد واقفه؛ اعطای حق تولیت بدون توجه به صفت عدالت؛ اعطای وقف به اولاد موقوف‌علیها و اولاد اولاد؛ اعطای حق تولیت به‌نحو مطلق ولو فاقد عدالت شرعی؛ واگذاری مادام‌العمر تولیت موقوفه به اولاد واقفه نسل‌اندز نسل؛ واگذاری تولیت به اولاد ذکور به‌شروط اولویت بطن‌اعلی بر اسفل؛ قراردادن سهم برای برادران واقفه و اولاد ایشان؛ قراردادن سهم برای سادات برادر واقفه؛ قراردادن سهم تولیت برای اصلح و اقرب از اقارب علیا در صورت موقوف‌بودن خاندان واقفه؛ تقسیم سهم موقوفه بعد از رعایت شروط میان اولاد ذکور واقفه؛ قراردادن حق تولیت در میان اولاد ذکور به‌شروط تقدم اعلی بطن بر بطن اسفل؛ واگذاری دوسوم سهم موقوفه به اولاد ذکور مدنظر واقفه.
	آزادسازی ملک از نظرات	عدم حسابرسی از متولی توسط مباشران اوقاف؛ واگذاری حسابرسی از متولی به روز قیامت؛ عدم دخل و تصرف در وقف بدون اذن متولی؛ عدم حسابرسی از متولیان در هر عصری.
عقبنی‌اندیشی	کسب منافع اخروی و شخصی	توجه به نیازهای مستحقین و ساکنان عتبات‌عالیات به‌صلاح‌دید متولی؛ تلاوت قرآن و اعطای ثواب آن برای واقفه؛ تلاوت قرآن کریم هر پنج‌شنبه؛ اعطای ثواب وقف برای روح واقفه؛ اجیرکردن زائر برای زیارت امام علی و ادای غماز و زیارت برای واقفه؛ اجیرکردن زائر برای زیارت امام حسین و ادای غماز و زیارت برای واقفه؛ تلاوت قرآن و هدیه ثواب آن برای واقفه به‌مبلغ معین؛ گماردن شخص شیعه صالح متدین برای زیارت امام علی در نجف در هر شبانه‌روز به‌مبلغ معین؛ گماردن شخص شیعه صالح متدین برای زیارت امام حسین و حضرت عباس در هر شبانه‌روز به‌مبلغ معین؛ تعیین مقرری برای قاری قرآن هر ساله (جودَةُ اللَّهْجَةِ).
نمایش‌گری	گسترش فرهنگ زیارت	اختصاص سهم برای عتبات‌عالیات و روضات مقدسه؛ اعطای سهم برای زائرین و مجاورین کربلا (شیعه اثنی‌عشر)؛ صرف روضه‌خوانی دهه عاشورا و روضه امام حسین و پیامبر (ص)؛ قراردادن سهم برای مصالح روضات مطهرات مقدسات.

۱. جودَةُ اللَّهْجَةِ: لهجه باکیفیت؛ صدای خوش. شخصی که اجیرش کنند تا با صدای خوش برای متوفی قرآن بخواند.

جدول ۳

مقوله و تم‌های سامان‌دهی حفاظت
ملکی و...



رمز	مقطعه	تم
	سهام حکومتی	آینده‌نگری از تجزیه اموال
	حفظ عین موقوفه	ماندگاری در اموال
	خدمات عمرانی در راستای کسب درآمد موقوفه	

ادامه جدول ۳

مقوله و تم‌های سامان‌دهی حفاظت
ملکی و...

و. کنش فرادستی در رفع نیازهای دیگری

در ساختار اجتماعی دوره صفوی وضعیت زنان در بیشتر موارد براساس موقعیت اجتماعی مردان تعیین می‌شد و تقریباً همگی زنان تحت تسلط مردان قرار داشتند و همواره هم امکان نداشت که بتوانند موقعیت اجتماعی مناسبی برای خویش به‌دست آورند. نام زنان در دوره صفوی با فعالیت در حرم‌سرا شناخته می‌شود؛ ولی برخی از زنان درباری با تلاش برای جانشینی و به‌سلطنت‌رساندن فرزندان خود، در سیاست نقش داشتند و ثروت و املاک بسیاری به‌دست می‌آوردند. گاهی هم توجه شاه به یکی از زنانش به پرداخت مستمری دائمی به او و تأمین مخارجش منجر می‌شد و این خود یکی از راه‌های ورود زنان به امور اقتصادی بود که اغلب در امور وقف صرف می‌شد.

حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی عصر صفوی از اشتغال در منزل یا خارج از آن و در امور خیریه نشان‌دهنده قدرت زنان در این عرصه است. زنان درباری علاوه بر حضور در سیاست دوره صفوی، با شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی سعی داشتند تا موقعیت خود را در امور اجتماعی تثبیت کنند. این امر زنان را از سطح فرودستی جامعه آن زمان به زنان فرادست و کنشگر تبدیل می‌کرد که می‌توانستند به نیازهای مختلف جامعه خود توجه داشته باشند و درصدد «رفع نیازهای روز»، «نوع‌دوستی» را ترویج کنند.



آنان موقوفاتشان را در دو سطح خویشان و دیگران، به اولاد و فرزندان یا ایتم سادات و نیز زوار اماکن مقدس تخصیص می دادند. آنان به مثابه کنشگران اجتماعی-فرهنگی در برخی موارد شناسایی افراد نیازمند جامعه هدف را منوط به تشخیص عالمان محلی قرار می دادند. این کنشگران در این راستا ضمن پاسخگویی به نیاز افراد جامعه، به جمع آوری اندوخته اخروی برای خود نیز می پرداختند که در تم «عقبی اندیشی» می توان این برساختگی را دید. کنش زنان بیشتر بن مایه های ارزشی و مذهبی دارد. آنان دستیابی به سعادت و رستگاری را بیش از لذت دنیایی تجمیع منافع مادی، مدنظر داشته اند و از این رو وقف اموال خود را موجب سبک بالی و فراغت روح برای رستگاری و دستیابی به تقدس دانسته اند.

وقف در این دوره، عرصه ای را برای ظهور و بروز زنان کنشگر در ساختار اجتماعی فراهم آورد و آنان در ساخت مدارس و مساجد و سایر اماکن عام المنفعه این حضور را تثبیت کردند. ولی آنچه کمتر به آن توجه شده است، اختصاص ندادن مدارس، اماکن و بناهای مختص به زنان برای امر آموزش یا سایر خدمات است. بررسی وقف نامه ها نشان می دهد که در بیشتر وقف نامه ها سهمی برای دانش اندوزی زنان در ساختار اجتماعی عصر صفوی دیده نمی شود و این یعنی کمبود وقف در امور زنان، که نشانه کم اعتنایی ساختار جامعه خود زنان به این وضع است.

تم	مقوله	رمز
کنش فراموشی در رفع نیازهای دیگری	توجه به نیازهای روز	استفاده از سهم موقوفه برای اداره امور مدرسه علمیه؛ تأمین هزینه های روشنایی مسجد و دالان ها و بیت الأئله؛ تأمین بوریای مسجد؛ تأمین نیازهای آب (گاو و آب کش)؛ توجه به روشنایی و نیازهای روضات؛ وضع سهم برای مصارف مدرسه علمیه (طلبه، خادم، مدرس و مؤذن)؛ اهتمام به امور مدرسه؛ قرارداد سهم از موقوفه برای اماکن مشرفه برای روشنایی و بوی خوش؛ تعیین مقرری برای روشنایی مسجد مأذی خان؛ رسیدگی به تعمیرات ضروری و بوریای مسجد موقوفه.
	توجه سنتی	استفاده از درآمد معین در هر امر خیر و مفیدی به صلاح دید متولی؛ قرارداد سهم برای ارباب استحقاق؛ تعیین کردن سهم معین برای هر مستحق؛ انفاق بر طلاب؛ انفاق بر قراء؛ تقسیم بخشی از درآمد موقوفه بر مستحقین؛ انفاق بر فقرا و ارباب استحقاق (طبخ نان و حلوا در شب های جمعه)؛ اعطای سهم برای مجاورین تعیین به شرط استحقاق (اعم از سادات و غیر سادات و زن یا مرد)؛ قرارداد سهم برای اعانت زائرین امام حسین هر ساله به مبلغ معین؛ استفاده از درآمد موقوفه برای امور خیر؛ رسیدگی به امور مستحقین بعد از زیاده رسیدگی به امور مسجد.
واگشتی به ساختار اجتماع	نگاه جنسیتی به حفظ اموال	اعطای حق تولیت به اولاد ذکور واقفه؛ واگذاری حق تولیت بعد از اولاد ذکور به اولاد اناث؛ واگذاری تولیت به اولاد ذکور نسل اندر نسل؛ واگذاری تولیت بعد از اولاد ذکور به اولاد اناث؛ قرارداد سهم برای اناث و اولاد اناث در صورت نبود ذکور پدری؛ تعیین متولی در میان اولاد ذکور متدین به قید قرعه شرعی؛ اعطای حق تولیت به اولاد اناث در صورت فقدان اولاد ذکور به شرط تدین.

جدول ۴

مقوله و تم های «کنش فرادستی و واگشتی به ساختار اجتماع»



ز. واگشتی به ساختار اجتماع

زنان این دوره توانستند خود را صاحب پایگاه اقتصادی و اجتماعی کنند و همچون کنشگرانی فعال در ساختار جامعه صفوی، خود را در موقعیتی متفاوت قرار دهند؛ ولی نگاهی به نیات موقوفه‌ها و کدگذاری آن‌ها دال بر این است که در مسیر ساختار اجتماعی هم‌چنان راه را برای زنان پس از خود باز نگذاشتند؛ به تعبیری با «واگشتی به ساختار اجتماع» تولید موقوفه‌ها را مانند موازین و ساختار اجتماعی عصر به فرزندان پسر واگذار کردند که این امر در همه وقف‌نامه‌ها مورد تبعیت بوده است و چیزی جز واگشت ساختاری نیست. به عبارتی دیگر، اگرچه زنان در این دوره نسبت به گذشته، نقش مهمی در سیاست و دربار پیدا کرده بودند - به گونه‌ای که تا زمانی که خود در قید حیات بودند، متولی موقوفه‌های خود بودند و از فرد مذکری نام برده نشده است - ولی پس از حیات خود، ناظران، و متولیان موقوفه‌ها را با اولویت مردان و فرزندان پسر ثبت کرده‌اند. بررسی محتوای اسناد نشان می‌دهد که آنان بر اساس ملاک جنسیتی که بر جامعه مردسالار ایرانی حاکم است، شرط اصلی تولید را در فرزندان ذکور دانسته‌اند و اگر سهمی برای اولاد دختری دیده می‌شده است با درج فقدان فرزندان پسر و با اولویت فرزندان پسر از اولاد دختر بوده است؛ بدین صورت که پس از نخست‌زاده مذکر اولویت با عمومیت بیشتر به ترتیب یا اولاد ذکور از اناث، اولاد اناث از ذکور، و اولاد اناث از اناث، بوده است و در صورت انقراض، موقوفه به معتمدین و صلحا منتقل می‌شود.

نتیجه‌گیری

در بررسی طبقه اجتماعی زنان واقف، به علت ثبت نشدن اطلاعات کافی، امکان دست‌یابی به تعداد حقیقی زنان واقف وجود ندارد. ولی در همین آثار به‌جای مانده از دوره صفوی، مشخص شد که هرچند وقف به طبقه اجتماعی خاصی اختصاص نداشته است، ولی زنان عموماً از طبقات بالای جامعه و خاندان سلطنتی حضور پررنگی در وقف اموال داشته‌اند. موقوفات زنان در این دوره حاکی از به رسمیت شناخته شدن حق مالکیت زنان در این دوره است که سبب مشارکت فعال آنان در وقف اموال، و رونق بخشی به فعالیت‌های اقتصادی شده است. اگرچه آگاهی از انگیزه افراد تنها از طریق مواجهه حضوری شناخته می‌شود، ولی با تحلیل محتوای اسناد موقوفات و از طریق موارد مصرف، می‌توان به نیات واقفان دست پیدا کرد. مطابق تم‌های استخراجی، نیات اصلی زنان واقف که غالباً از خاندان درباری بودند، ماهیت اقتصادی داشته است و وقف بهترین راه برای حفظ اموال و دارایی‌هایشان بوده است. نظر به اینکه حکومت صفوی مدعی ترویج اندیشه شیعی بود،



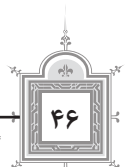
برای کسب مشروعیت، به اقدامات عام‌المنفعه و وقف اموال و دارایی روی آورد. حضور شاه‌عباس اول، در رأس موقوفات، مؤید این امر است که پیوند میان سیاست و مذهب سبب شد تا از طریق وقف بتوانند به «مشروع‌سازی» دست بزنند. زنان نیز در یک پیوستار به‌دنبال حضور اجتماعی و اقتصادی، بخشی از اموال به‌ارث‌رسیده خود را وقف می‌کردند و در لوای وقف، ضمن گسترش اموال و دارایی‌های خود و کسب درآمد از طریق موقوفه، سهمی را برای حکومت در نظر می‌گرفتند تا مالشان را از تجزیه پس از خود مصون نگه دارند. هم‌چنین برای اینکه هم‌چنان «نمایش شیعی‌گری» حفظ شود، سهمی هم برای امور مذهبی، ساخت مساجد و امام‌زادگان قرار می‌دادند. از طرفی در برخی از وقف‌نامه‌ها، سهمی که برای روضه‌خوانی و یادکرد واقعه عاشورا در نظر گرفته شده‌است بسیار ناچیز بود. زنان این دوره از طریق الگوگیری از حادثه کربلا و حضور حضرت زینب (س) در جریان‌سازی پس از عاشورا، به‌دنبال بازیابی هویت اجتماعی خود در این عصر بودند؛ از این رو، سهمی از موقوفات خود را به روضه‌خوانی اختصاص دادند.

نکته قابل تأمل دیگر اینکه زنان این دوره، برای زنان پس از خود سهمی در تولیت، نظارت و جایگاه اجتماعی در امور موقوفه در نظر نداشتند و در بازگشت به فضای حاکم بر جامعه، دال مرکزی تولیت و نظارت بر اموال موقوفه بر عهده اولاد پسر و به‌ندرت به دختران واگذار می‌شد. این امر حاکی از این است که زنان هم‌چنان در ساختار اجتماعی جامعه عمل می‌کردند. صرف‌نظر از بی‌سهمی زنان در تولیت و اداره موقوفات، نمی‌توان قدرت زنان در سیاست، اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی این دوره را نادیده گرفت. زنان واقف سعی داشتند تا موقعیت خود را در امور اقتصادی و اجتماعی تثبیت کنند. این امر زنان را از سطح فرودستی جامعه آن زمان، به زنان فرادست و کنشگر تبدیل می‌کرد که می‌توانستند به نیازهای مختلف جامعه خود توجه داشته باشند و در صدد «رفع نیازهای روز»، «نوع‌دوستی» را ترویج کنند.

منابع

کتاب

- امامی، حسن. (۱۳۶۸). *حقوق مدنی*. تهران: اسلامیه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*. تهران: صفی‌شاه.
- حسینی اشکوری، سیدصادق. (۱۳۷۸). *اسناد موقوفات اصفهان*. (چ ۱). (اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، ناظر). قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- ریاحی، محمدحسین. (۱۳۷۵). *مشاهیر زنان اصفهان*. اصفهان: اداره کل ارشاد اسلامی.



سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۷۰). *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

شاردن، جان. (۱۳۷۴). *سفرنامه شاردن*. (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس.

صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران صفوی*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.

فیگوئرا، دن گارسیا د سیلوا. (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسیا*. (غلامرضا سمیعی، مترجم). تهران: نو.

قاسمی‌زاده راوری، محمد. (۱۳۹۶). *نگاهی نو به آثار اجتماعی وقف*. تهران: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه.

کرپیندورف، کلوس. (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*. (هوشنگ نایبی، مترجم). تهران: نی.

منشی، اسکندربیگ. (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. (ایرج افشار، ناظر). تهران: امیرکبیر؛ مجله تحقیقاتی فرهنگ ایران زمین، شماره ۱۵.

مقاله

احمدی، زهت. (۱۳۷۶). «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی». *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۳ و ۴.

احمدی، زهت. (۱۳۸۰). «زنان واقف در پایتخت صفوی». در: *مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفوی*. (ج ۱).

احمدی، زهت. (۱۳۸۸). «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف (تحلیلی بر وقف‌نامه مادر شاه‌سلیمان)». چاپ‌شده در کتاب: *زن در تاریخ اسلام: مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام (از قرن هفتم تا سیزدهم هجری)*.

ارجح، اکرم. (۱۳۹۱). «موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۵۲ و ۵۳، صص ۱-۱۲.

ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». *پژوهش، سال سوم*، شماره دوم، صص ۱۵-۴۴.

حیدریان، زهرا. (۱۳۸۸). «زنان واقف در عصر صفوی». *وقف میراث جاویدان*، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص ۴۸-۵۹.

خسروی، محمدعلی. (۱۳۷۴). «ن و القلم: موقوفات زنان در ایران». *نشریه وقف میراث جاویدان*، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۴-۷.

ریاحی، محمدحسین. (۱۳۸۹). «موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی». *نشریه وقف میراث جاویدان*، شماره ۷۱، صص ۱۴۳-۱۶۸.

زرین‌یاف شهر، فریبا. (۱۳۸۴). «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل». (محمد مروار، مترجم). *نامه تاریخ پژوهان*، سال اول، شماره ۳.



شاطری، مفید، آرزومندان، راضیه. (۱۳۹۱). «بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر (مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، درمیان، سربیشه)». *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۵-۲۳.

مهریزی، مهدی. (۱۳۸۹). «درآمدی بر موقوفات زنان». *وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۹، صص ۲۷-۴۸.

Latin Resources

- Andreoni, James. (1989). "Giving with impure altruism: applications to charity and Ricardian equivalence". *The Journal of Political Economy*, Vol. 97, No. 6, pp 1447-1458.
- Andreoni, James. (1990). "Impure altruism and donations to public goods: a theory of warm-glow giving". *Economic Journal*, Vol. 100, No. 401, pp 464-477.
- Andreoni, James; Bernheim, B. Douglas. (2009). "Social image and the 50-50 norm: a theoretical and experimental analysis of audience effects". *Econometrica*, Vol. 77, No. 5, pp 1607-1636.
- Becker, Gary S. (1974). "A theory of social interactions". *Journal of Political Economy*, Vol. 82, No. 6, pp 1063-1093.
- Becker, Gary S. (1976). *The Economic Approach to Human Behavior*. The University of Chicago Press, Chicago.
- Chapra, M. Umer. (1999). "Islam and economic development: a discussion within the framework of Ibn Khaldun's philosophy of history". Proceedings of the Second Harvard University Forum on Islamic Finance: Islamic Finance into the 21st Century Cambridge, Massachusetts. Center for Middle Eastern Studies, Harvard University. 1999. pp 23-30.
- Crumpler, Heidi; Grossman, Philip J. (2008). "An experimental test of warm glow giving". *Journal of Public Economics*, Vol. 92, No. 5-6, pp 1011-1021.
- DellaVigna, Stefano; List, John A; Malmendier, Ulrike. (2009). "Testing for altruism and social pressure in charitable giving". NBER Working Paper No. 15629, available at: www.nber.org/papers/w15629.pdf (accessed 21 March 2017).
- Harbaugh, William. T. (1998). "What do donations buy? A model of philanthropy based on prestige and warm glow". *Journal of Public Economics*, Vol. 67, No. 2, pp 269-284.



- Heidari, Parisa. (2022). "The role of women in the development of endowment in Islamic lands – A case study: women acquaintances in Safavid and Ottoman rule". Conference: DHS: Hidden Histories: Gender in Design seminar At: London.
- Kondracki, Nancy L; Wellman, Nancy S. (2002). "Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education". *Journal of Nutrition Education and Behavior*, Volume 34, Issue 4, pp 224-230.
- Mayr, Ulrich; Harbaugh, William T; Tankersley, Dharol. (2009). "Neuroeconomics of charitable giving and philanthropy". In: (Glimcher, Paul W. and Fehr, Ernst. (Eds)), *Neuroeconomics: Decision Making and the Brain*. Academic Press, London, pp 303-320.
- Mirakhor, Abbas; Askari, Hossein. (2010). *Islam and the Path to Human and Economic Development*. Palgrave Macmillan, New York, NY.
- Poole, M. Scott; Folger, Joseph P. (1981). "Modes of observation and the validation of interaction analysis schemes". *Small Group Behavior*. vol 12, Issue 4, pp 477-493
- Sadeq, A. (1987). "Economic development in Islam". IIUM Journal of *Economis and Management*, Vol. 1 No. 1, pp 35-45.

English Translation of References

Books

- Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim. (1362/1983). "*Siyāsāt va eqtesād-e 'asr-e Safavi*" (Iran under Safavids economic and political conditions). Tehran: Safi Šāh. [Persian]
- Becker, Gary S. (1976). *The economic approach to human behavior*. The University of Chicago Press, Chicago.
- Chardin, Jean. (1336/1957). "*Safarnāme-ye Šārden*" (Voyages en Perse) [Trips in Iran]. Translated by Eghbal Yaghmayi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Emami, Hassan. (1368/1989). "*Hoquq-e madani*" (Civil rights). Tehran: Eslāmiyeh. [Persian]
- Figueroa, Don Garcia de Silva. (1363/1984). "*Safarnāme-ye Don Gārsiyā*" (L'Ambassade de D. Garcia de Silva Figueroa en Perse) [The embassy of D. Garcia de Silva Figueroa in Persia]. Translated by Gholamreza Samiei. Tehran: No. [Persian]



- Ghasemizadeh Ravari, Mohammad. (1396/2017). *“Negāhi no be āsār-e ejtemā’ee-ye waqf”* (A new look at the social effects of Waqf). Tehran: Šerkat-e Čāp va Enteshārāt-e Vābaste be Sāzmān-e Owqāf va Omur-e Xeyriyeh (Awqaf and Charity Affairs Organization of Iran). [Persian]
- Hosseini Ashkevari, Seyyed Sadegh. (1378/1999). *“Asnād-e mowqūfāt-e Esfahān”* (Endowment Documents of Isfahan Province) (1st ed.). Supervised by Edāre-ye Koll-e Owqāf va Omur-e Xeyriye-ye Ostān-e Esfahān (General Directorate of Endowments and Charity of Isfahan Province). Qom: Majma’-e Zaxāer-e Eslāmi (Digital Library of Oriental Documents and Manuscripts). [Persian]
- Krippendorff, klaus. (1378/1999). *“Tahlil-e mohtava: Mabāni-ye raves-šenāsi”* (Content analysis: An introduction to its methodology). Translated by Houshang Nayebi. Tehran: Ney. [Persian]
- Monshi, Eskandar Beig. (1382/2003). *“Tārix-e ‘ālam-ārā-ye ‘Abbāsi”* (Tarikh-e Alam-ara-ye Abbasi). Supervised by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir; Majalle-ye Tahqiqāti-ye Farhang-e Irān-Zamin, no. 15. [Persian]
- Mirakhor, Abbas; & Askari, Hossein. (2010). Islam and the path to human and economic development. Palgrave Macmillan, New York, NY.
- Rafei Mehrabadi, Abolghasem. (1352/1973). *“Āsār-e melli-ye Esfahān”* (National monuments of Isfahan). Tehran: Anjoman-e Āsār-e Melli (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]
- Riahi, Mohammad Hossein. (1375/1996). *“Mašāhir-e zanān-e Esfahān”* (Famous women of Isfahan). Esfahān: Edāre-ye Koll-e Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance Directorate). [Persian]
- Salimifar, Mostafa. (1370/1991). *“Negāhi be waqf va āsār-e eqtesādi-ejtemā’ee-ye ān”* (A look at waqf and its economic-social effects). Mašhad: Bonyād-e Pažuheš-hā-ye Eslāmi-ye Āstān-e Qods-e Razavi (Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi). [Persian]
- Sefatgol, Mansour. (1381/2002). *“Sāxtār-e nahād va andiše-ye dini dar Irān-e Safavi”* (Religious institution and thought during the Safavid Iran). Tehrān: Xadamāt-e Farhangi-ye Rasā. [Persian]



Articles

- Ahmadi, Nozhat. (1376/1997). "Vaḡf-nāme-hā-ye bānovān dar dowre-ye Safavi" (Women's donation letters in the Safavid period). *Faslnāme-ye Vaḡf Mirās-e Javidān* (Vaḡf, Eternal Legacy), issue no. 3 & 4. [Persian]
- Ahmadi, Nozhat. (1380/2001). "*Zanān-e vāḡef dar pāytext-e Safavi*" (Donating women in the Safavid capital). In "Majmu'e-maqālāt-e Hamāyeš-e Esfahān va Safavi" (Collection of Isfahan and Safavid dynasty conference papers) (vol. 1). [Persian]
- Ahmadi, Nozhat. (1388/2009). "Nejāt-e farzand agize-ee barāye vaḡf (Tahlili bar vaḡf-nāme-ye mādar-e Šāh Soleymān)" (Saving one's child as a motive for endowment (An analysis of the endowment letter written by King Suleiman's mother)). In "*Zan dar tārix-e eslām: Majmu'e-maqālāt-e seminar-e bein-ol-melali-ye zan dar tārix-e eslām (Az qarn-e haftom tā sizdahom-e Hejri)*" (Women in the history of Islam: A collection of articles of the international seminar on women in the history of Islam (from the 7th to the 13th century AH / 13th to 19th century AD)). [Persian]
- Andreoni, James. (1989). "Giving with impure altruism: applications to charity and Ricardian equivalence". The Journal of *Political Economy*, Vol. 97, No. 6, pp. 1447-1458.
- Andreoni, James. (1990). "Impure altruism and donations to public goods: a theory of warm-glow giving". *Economic Journal*, Vol. 100, No. 401, pp. 464-477.
- Andreoni, James; Bernheim, B. Douglas. (2009). "Social image and the 50-50 norm: a theoretical and experimental analysis of audience effects". *Econometrica*, Vol. 77, No. 5, pp. 1607-1636.
- Arjah, Akram. (1391/2012). "Mowqufāt-e zanān dar dowre-ye Safavi va Osmāni" (Women endowments during the Safavid dynasty and the Ottoman empire). *Tārix-e Ravābet-e Xvreji* (Foreign Relations History), issues 52 & 53, pp. 1-12. [Persian]
- Becker, Gary S. (1974). "A theory of social interactions". *Journal of Political Economy*, Vol. 82, No. 6, pp. 1063-1093.



- Chapra, M. Umer. (1999). "Islam and economic development: A discussion within the framework of Ibn Khaldun's philosophy of history". Proceedings of the *Second Harvard University Forum on Islamic Finance: Islamic Finance into the 21st Century* (pp. 23-30). Cambridge, Massachusetts. Center for Middle Eastern Studies, Harvard University.
- Crumpler, Heidi; & Grossman, Philip J. (2008). "An experimental test of warm glow giving". *Journal of Public Economics*, Vol. 92, No. 5-6, pp. 1011-1021.
- DellaVigna, Stefano; List, John A; & Malmendier, Ulrike. (2009). "Testing for altruism and social pressure in charitable giving". *NBER Working Paper*, No. 15629, available at: www.nber.org/papers/w15629.pdf (accessed 21 March 2017).
- Harbaugh, William. T. (1998), "What do donations buy? A model of philanthropy based on prestige and warm glow". *Journal of Public Economics*, Vol. 67, No. 2, pp. 269-284.
- Heidari, Parisa. (2022). "The role of women in the development of endowment in Islamic lands – A case study: women acquaintances in Safavid and Ottoman rule". Conference: *DHS: Hidden Histories: Gender in Design* seminar At: London.
- Heidarian, Zahra. (1388/2009). "Zanān-e vāqef dar 'asr-e Safavi" (Endowing women in the Safavid era). *Faslnāme-ye Vaqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), 17(66), pp. 48-59. [Persian]
- Iman, Mohammad Taghi; & Noshadi, Mahmoudreza. (1390/2011). "Tahlil-e mohtavā-ye keyfi" (Qualitative content analysis). *Pažuheš*, 3(2), pp. 15-44. [Persian]
- Khosravi, Mohammadali. (1374/1995). "Nun val-qalam: Mowqufāt-e zanān dar Irān" (Women's endowments in Iran). *Faslnāme-ye Vaqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), 3(10), pp. 4-7. [Persian]
- Kondracki, Nancy L; & Wellman, Nancy S. (2002). "Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education". *Journal of Nutrition Education and Behavior*, Volume 34, Issue 4, pp. 224-230.
- Mayr, Ulrich; Harbaugh, William T; & Tannersley, Dharol. (2009). "Neuroeconomics of charitable giving and philanthropy". In: (Glimcher, Paul W. and Fehr, Ernst. (Eds)), *Neuroeconomics: Decision Making and the Brain* (pp. 303-320). Academic Press, London.



- Mehrizi, Mehdi. (1389/2010). "Darāmadi bar moqūfāt-e zanān" (An introduction on women's endowments). *Faslnāme-ye Waqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), 69, pp. 27-48. [Persian]
- Poole, M. Scott; & Folger, Joseph P. (1981). "Modes of observation and the validation of interaction analysis schemes". *Small Group Behavior*. Vol. 12, Issue 4, pp. 477-493.
- Riahi, Mohammad Hossein. (1389/2010). "Mowqūfāt-e māndegār-e banovān az Esfahān-e 'asr-e Safavi" (Permanent endowments of women from Isfahan in the Safavid era). *Faslnāme-ye Waqf Mirās-e Javidān* (Waqf, Eternal Legacy), 71, pp. 143-168. [Persian]
- Sadeq, A. (1987). "Economic development in Islam". *IJUM Journal of Economis and Management*, Vol. 1 No. 1, pp. 35-45.
- Shateri, Mofid; & Arezoumandan, Raziieh. (1391/2012). "Barresi-ye ravand-e taqyirāt-e naqš va jāygāh-e moqūfāt-e zanān az dowre-ye Safavi tā 'asr-e hazer (Motālēe-ye moredi-ye šahrestān-hā-ye Birjand, Darmiyān, Sarbišeh)" (The role and status of women in Vaghf institutions from Safavi until contemporary era (Case study: Birjand, Darmiyan, Sarbishe)). *Zan dar Farhang va Honar* (Woman in Culture and Art), 4(1), pp. 5-23. [Persian]
- Zarrinbaf Shahr, Fariba. (1384/2005). "Fa'āliyat-hā-ye eqtesādi-ye zanān-e Safavi dar ziyārātghāh-e šahr-e Ardebil" (Economic activities of Safavid women in the shrine of Ardabil). Translated by Mohammad Morvar. *Name-ye Tārix-pažuhān*, 1(3). [Persian]

